



## پایه نهم

خطبه ۱۰۵

**بخش اول:** حَتَّى بَعَثَ اللَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، شَهِيدًا وَبَشِيرًا، وَنَذِيرًا، خَيْرَ الْبَرِيَّةِ طِفْلاً، وَانْجَبَهَا كَهْلاً، وَ أَطَهَرَ الْمُطَهَّرِينَ شَيْمَةً، وَ أَجْوَدَ الْمُسْتَمْطَرِينَ دَيْمَةً.

(مردم جهان سخت در گمراهی بودند) تا اینکه خداوند محمد(صلی الله علیه وآله) را مبعوث ساخت که گواه بر اعمال آنها و بشارت دهنده (به پادشاهای الهی در برابر نیکی ها) و بیم دهنده (از کیفر الهی در برابر زشتی ها) بود. در کودکی شایسته ترین مخلوق، و در بزرگسالی نجیب ترین و شایسته ترین آنان بود. اخلاقی از همه پاکان، پاکتر، و باران جود و سخایش، از همه بادوام تر بود.

**بخش دوم:** فَمَا اخْلَوْلَتْ لَكُمْ الدُّنْيَا فِي لَذَّتِهَا، وَ لَا تَمَكَّنْتُمْ مِنْ رِضَاعِ اخْلَافِهَا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا صَادَفْتُمُوهَا جَانِبًا خِطَامُهَا، قَلِقًا وَضِيئُهَا، قَدْ صَارَ حَرَامُهَا عِنْدَ أَقْوَامٍ بِمَنْزِلَةِ السِّدْرِ الْمَحْضُودِ، وَ حَلَالُهَا بَعِيدًا غَيْرَ مَوْجُودِ، وَ صَادَفْتُمُوهَا، وَ اللَّهُ، ظِلًّا مَمْدُودًا إِلَى أَجَلٍ مَعْدُودِ. فَالْأَرْضُ لَكُمْ شَاغِرَةٌ، وَ أَيْدِيكُمْ فِيهَا مَبْسُوطَةٌ؛ وَ أَيْدِي الْقَادَةِ عَنْكُمْ مَكْفُوفَةٌ، وَ سِيُوفُكُمْ عَلَيْهِمْ مَسْلُطَةٌ، وَ سِيُوفُهُمْ عَنْكُمْ مَقْبُوضَةٌ. أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ دَمٍ ثَائِرًا، وَ لِكُلِّ حَقٍّ طَالِبًا وَ إِنَّ الثَّائِرَ فِي دِمَائِنَا كَالْحَاكِمِ فِي حَقِّ نَفْسِهِ، وَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا يُعْجِزُهُ مَنْ طَلَبَ، وَ لَا يَفُوتُهُ مَنْ هَرَبَ. فَأُقْسِمُ بِاللَّهِ، يَا بَنِي أُمَّيَّةَ، عَمَّا قَلِيلٍ لَتَعْرِفْنَهَا فِي أَيْدِي غَيْرِكُمْ وَ فِي دَارِ عَدُوِّكُمْ! أَلَا إِنَّ أَبْصَرَ الْأَبْصَارِ مَا نَفَذَ فِي الْخَيْرِ طَرْفَهُ! أَلَا إِنَّ أَسْمَعَ الْأَسْمَاعِ مَا وَعَى التَّذْكَيرَ وَ قَبْلَهُ!

شما (ای افراد ضعیف الایمان) زمانی از لذت و زرق و برق دنیا بهره بردید و از پستان آن شیر نوشیدید، که افسارش رها، و تنگ چهارش گشوده بود. (و کار شما به جایی رسید که) حرام دنیا در نظر گروهی، همچون درخت سدر بی خار بود و حلالش دوردست بلکه غیر موجود! به خدا سوگند! دنیایی که شما با آن روبه رو هستید، همچون سایه ای است گسترده، تا سر آمدی معین. امروز زمین برای شما آزاد و بی مانع و دست هایتان باز است، در حالی که دست رهبران (الهی شما) نسبت به شما بسته است؛ شمشیرهای شما بر آنان مسلط، و شمشیرهای آنان از شما باز گرفته شده است؛ ولی آگاه باشید! هر خونی خونخواهی دارد. و هر حقی صاحب و طالبی. و انتقام گیرنده خون های ما، مانند کسی است که داور خویش است (که چیزی را فرو گذار نخواهد کرد)، و او خداوندی است که از گرفتن و مجازات کسی ناتوان نگردد و هیچ کس از پنجه عدالتش نگریزد. ای بنی امیه! به خدا سوگند! به زودی این خلافت را در دست دیگران و در خانه دشمنان خود خواهید دید. آگاه باشید! بیناترین چشم ها آن است که شعاعش در دل نیکی ها نفوذ کند، و شنواترین گوش ها آن است که اندرزها را در خود جای دهد و پذیرا گردد!



**بخش سوم:** أَيُّهَا النَّاسُ، اسْتَضِيحُوا مِنْ شُعْلَةِ مِصْبَاحٍ وَاعِظْ مُعْظِظٌ، وَامْتَاخُوا مِنْ صَفْوِ عَيْنٍ قَدْ رُوِّقَتْ مِنَ الْكَدْرِ. عِبَادَ اللَّهِ، لَا تَرْكُنُوا إِلَى جِهَالِكُمْ، وَلَا تَتَّقَادُوا لِأَهْوَائِكُمْ، فَإِنَّ النَّازِلَ بِهَذَا الْمَنْزِلِ نَازِلٌ بِشَفَا جُرْفٍ هَارٍ، يَنْقُلُ الرَّدَى عَلَى ظَهْرِهِ مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ، لِرَأْيٍ يُحْدِثُهُ بَعْدَ رَأْيٍ؛ يُرِيدُ أَنْ يُلْصِقَ مَا لَا يَلْتَصِقُ، وَ يَقْرَبَ مَا لَا يَتَقَارَبُ! فَاللَّهُ اللَّهُ أَنْ تَشْكُوا إِلَيَّ مَنْ لَا يُشْكِي شَجْوَكُمْ، وَلَا يَنْقُضُ بَرَأِيهِ مَا قَدْ أُبْرِمَ لَكُمْ.

ای مردم! چراغ قلب خود را، از شعله (پر فروغ) واعظ با عمل، روشن سازید، و ظرف وجود خویش را، از آب زلال چشمه ای که از آلودگی ها پاک است، پُر کنید. ای بندگان خدا! بر نادانی های خود تکیه نکنید و تسلیم هوس های خویش نشوید! زیرا آن کس که در این مقام برآید (و تکیه بر جهالت و هوا و هوس ها کند) همچون کسی است که بر لب پرتگاهی که در شُرْف فرو ریختن است قرار گرفته. او بار هلاکت را بر دوش می کشد و از جایی به جای دیگر می برد و برای توجیه آرای ناپخته و ضدّ و نقیض خویش، مطالب نامتناسب را به هم پیوند می دهد. از (نافرمانی) خدا بپرهیزید! و شکایت خویش را نزد کسی که نمی تواند مشکل شما را حل کند و توان ندارد که با فکر خود گره از کار شما بگشاید، مبرید.

**بخش چهارم:** إِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ إِلَّا مَا حُمِّلَ مِنْ أَمْرِ رَبِّهِ: الْإِبْلَاحُ فِي الْمَوْعِظَةِ، وَالْاجْتِهَادُ فِي النَّصِيحَةِ، وَالْإِحْيَاءُ لِلسُّنَّةِ، وَإِقَامَةُ الْحُدُودِ عَلَى مُسْتَحِقِّيهَا، وَإِصْدَارُ السُّهُمَانِ عَلَى أَهْلِهَا. فَبَادِرُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِ تَصْوِيحِ نَبْتِهِ، وَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُشْغَلُوا بِأَنْفُسِكُمْ عَنْ مُسْتَتَارِ الْعِلْمِ مِنْ عِنْدِ أَهْلِهِ، وَ أَنْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَنَاهَوْا عَنْهُ، فَإِنَّمَا أَمْرُكُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي!

به یقین امام و پیشوا جز وظایفی که به امر خداوند برعهده او نهاده شده، وظیفه ای ندارد؛ یعنی ابلاغ مواعظ به همه مردم و تلاش و کوشش در خیرخواهی در تمام زمینه ها، احیای سنت پیامبر (صلی الله علیه وآله) (و اجرای تمام قوانین الهی) و اجرای حدود الهی نسبت به تمام مستحقین، بدون تبعیض و بی کم و کاست، و احقاق حقوق و پرداختن سهم همگان (از بیت المال). (اما وظیفه شما این است که:) در فرا گرفتن علم بکوشید، پیش از آن که درخت آن بخشکد و قبل از آن که به خود مشغول گردید علم و دانش را از معدن آن که نزد اهلش می باشد استخراج کنید.

مردم را از منکرات باز دارید، و خودتان نیز مرتکب نشوید! چرا که شما موظف هستید خود، ترک گناه کنید؛ آنگاه مردم را از آن نهی نمایید!



## خطبه ۱۵۷

**بخش اول:** الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْحَمْدَ مِفْتَاحًا لِذِكْرِهِ، وَ سَبَبًا لِلْمَزِيدِ مِنْ فَضْلِهِ، وَ دَلِيلًا عَلَى آيَاتِهِ وَ عَظَمَتِهِ.

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّ الدَّهْرَ يَجْرِي بِالْبَاقِينَ كَجَرِيهِ بِالْمَاضِينَ؛ لَا يَعُودُ مَا قَدْ وَلَّى مِنْهُ، وَ لَا يَبْقَى سَرْمَدًا مَا فِيهِ.

آخِرُ فَعَالِهِ، كَأَوَّلِهِ. مُتَشَابِهَةٌ أُمُورُهُ، مُتَظَاهِرَةٌ أَعْلَامُهُ. فَكَأَنَّكُمْ بِالسَّاعَةِ تَحْدُوكُمْ حَدَوَ الزَّاجِرِ بِسَوْأِهِ؛ فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ، وَ ارْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ، وَ مَدَّتْ بِهِ شَيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ، وَ زَيَّنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ. فَالْجَنَّةُ غَايَةُ السَّابِقِينَ، وَ النَّارُ غَايَةُ الْمُفْرَطِينَ.

حمد و ستایش، مخصوص خداوندی است که «حمد» را کلید ذکر و یاد خود قرار داده و آن را سبب فزونی فضل و رحمتش و دلیل بر نعمت ها و عظمتش ساخته است.

بندگان خدا! روزگار بر بازماندگان، آن سان می گذرد که بر پیشینیان گذشت. آن چه از زندگی دنیا گذشته است باز نمی گردد و آن چه در آن هستیم جاودان نمی ماند. آخرین کار این جهان، همچون نخستین کار اوست. آموزش شبیه به یکدیگر و نشانه هایش روشن و آشکار است. گویا ساعت (پایان زندگی) شما را با سرعت به پیش می راند؛ همان گونه که ساریان، شتران سبکبار را. آن کس که به غیر خویش پردازد واز خود غافل شود، در تاریکی ها سرگردان می ماند و در مهلکه ها گرفتار می شود. شیاطین او را در طغیانش به پیش می رانند و اعمال بدش را در نظرش نیک جلوه می دهند. بهشت سرمنزل پیش تازان (در طاعت خدا) و آتش دوزخ پایان کار کوتاهی کنندگان و تقصیرکاران است.

**بخش دوم:** اعْلَمُوا، عِبَادَ اللَّهِ، أَنَّ التَّقْوَى دَارُ حِصْنٍ عَزِيزٍ، وَالْفُجُورَ دَارُ حِصْنٍ ذَلِيلٍ، لَا يَمْنَعُ أَهْلَهُ، وَ لَا يَحْرُزُ مَنْ لَجَأَ إِلَيْهِ. أَلَا وَ بِالتَّقْوَى تَقْطَعُ حُمَةَ الْخَطَايَا، وَ بِالْيَقِينِ تُدْرِكُ الْغَايَةَ الْقُصْوَى.

عِبَادَ اللَّهِ، اللَّهُ اللَّهُ فِي أَعَزِّ الْأَنْفُسِ عَلَيْكُمْ، وَ أَحَبِّهَا إِلَيْكُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ قَدْ أَوْضَحَ لَكُمْ سَبِيلَ الْحَقِّ وَ أَنْارَ طُرُقَهُ. فَشِقْوَةٌ لَزِمَةٌ، أَوْ سَعَادَةٌ دَائِمَةٌ! فَتَزَوَّدُوا فِي أَيَّامِ الْفَنَاءِ لِأَيَّامِ الْبَقَاءِ. قَدْ دَلَّلْتُمْ عَلَى الزَّادِ، وَ أَمَرْتُمْ بِالطَّعْنِ، وَ حُثِّتُمْ عَلَى الْمَسِيرِ؛ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ كَرَكَبٌ وَ قُوفٌ، لَا يَدْرُونَ مَتَى يُؤْمَرُونَ بِالسَّيْرِ. أَلَا فَمَا يَصْنَعُ بِالذُّنْيَا مَنْ خُلِقَ لِلْآخِرَةِ! وَ مَا يَصْنَعُ بِالْمَالِ مَنْ عَمَّا قَلِيلٍ يُسَلِّبُهُ، وَ تَبْقَى عَلَيْهِ تَبِعَتُهُ وَ حِسَابُهُ!

عِبَادَ اللَّهِ، إِنَّهُ لَيْسَ لِمَا وَعَدَ اللَّهُ مِنَ الْخَيْرِ مَتْرَكٌ، وَ لَا فِيمَا نَهَى عَنْهُ مِنَ الشَّرِّ مَرْغَبٌ.

عِبَادَ اللَّهِ، اخذروا يوماً تُفحصُ فيه الأعمالُ، وَ يكثرُ فيه الزَّلْزَالُ وَ تشييبُ فيه الأطفالُ.



بندگان خدا بدانید که تقوا دژی است محکم و استوار (که ساکنان خود را از گزند عذاب دنیا و آخرت حفظ می کند) و فجور و بی تقوایی، حصار است سُست و بی دفاع که ساکنانش را (از خطرها) باز نمی دارد و کسی را که به آن پناه برد حفظ نمی کند. آگاه باشید با تقوا می توان نیش زهرآلود گناهان را قطع کرد و با یقین به برترین مرحله مقصود رسید. بندگان خدا! خدا را خدا را؛ مراقب عزیزترین و محبوب ترین نفوس نسبت به خویش باشید (دست کم بر خود رحم کنید)؛ چرا که خداوند راه حق را برای شما آشکار ساخته و طرق آن را روشن نموده است و سرانجام کار (از دو حال خارج نیست) یا بدبختی دایمی است و یا نیکبختی همیشگی؛ حال که چنین است در این ایام فانی برای ایام باقی زاد و توشه فراهم سازید، زاد و توشه لازم به شما معرفی شده و فرمان کوچ داده شده است و با سرعت شما را به حرکت درآورده اند. شما همچون کاروانی هستید که در منزلگاهی توقف کرده و نمی دانید چه وقت دستور حرکت به او داده می شود. بدانید آن کس که برای آخرت آفریده شده با دنیا (و دنیاپرستی) چه کار دارد؟ و آن کس که به زودی ثروتش را از او می گیرند، با اموال و ثروت دنیا چه می کند؟ ثروتی که (سودش برای دگران است و) مؤاخذه و حسابش بر او. ای بندگان خدا! آن چه را خداوند وعده نیک نسبت به آن داده است جای ترک نیست و آن چه را از بدی ها نهی کرده قابل دوست داشتن نمی باشد. ای بندگان خدا! از روزی که اعمال بررسی دقیق می شود، برحذر باشید؛ روزی که تزلزل و اضطراب در آن بسیار است و کودکان در آن پیر می شوند! روز طفلی که محکوم به مجازات الهی باشد و بر اثر وحشت گرفتار پیری زودرس شود، وجود ندارد.

**بخش سوم:** يَذْهَبُ الْيَوْمُ بِمَا فِيهِ، وَيَجِيءُ الْعُدُ لَاحِقًا بِهِ، فَكَأَنَّ كُلَّ امْرِيءٍ مِنْكُمْ قَدْ بَلَغَ مِنَ الْأَرْضِ مَنْزِلَ وَحْدَتِهِ، وَ مَخَطَّ حُفْرَتِهِ. فَيَا لَهُ مِنْ بَيْتٍ وَحْدَةٍ، وَ مَنْزِلٍ وَحْشَةٍ، وَ مُفْرَدٍ غُرْبَةٍ! وَ كَأَنَّ الصَّيْحَةَ قَدْ أَتَتْكُمْ، وَ السَّاعَةَ قَدْ غَشِيَتْكُمْ، وَ بَرَزْتُمْ لِفَصْلِ الْقَضَاءِ، قَدْ زَاحَتْ عَنْكُمْ الْأَبَاطِيلُ، وَ اضْمَحَلَّتْ عَنْكُمْ الْعِلَلُ، وَ اسْتَحَقَّتْ بِكُمْ الْحَقَائِقُ، وَ صَدَرَتْ بِكُمْ الْأُمُورُ مَصَادِرَهَا، فَاتَّعِظُوا بِالْعَبْرِ، وَ اعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ، وَ اتَّقُوا بِاللُّدْرِ.

ای بندگان خدا بدانید که مراقبانی از خودتان بر شما گماشته شده و دیده بانانی از اعضای پیکرتان، و نیز حسابدارانی راستگو مراقب شما هستند که اعمالتان و حتی شماره نفس هایتان را ثبت می کنند. نه ظلمت شب تاریک شما را از آن ها پنهان می دارد و نه درهای محکم و فرو بسته. فردا به امروز نزدیک است، امروز آن چه را در آن است با خود می برد و فردا پشت سر آن فرا می رسد (و به این ترتیب، عمر به سرعت سپری می شود). گویی هر یک از شما به سر منزل تنهایی و حفره گور خویش رسیده است. ای وای از آن خانه تنهایی و منزلگاه وحشت و جایگاه غربت. گویی نفخه صور و صیحه قیامت فرا رسیده، رستاخیز، شما را در بر گرفته و در صحنه دادگاه الهی حاضر شده اید. باطل از شما رخت بر بسته؛ عذر تراشی ها از میان رفته؛ حقایق برای تان مسلم شده و حوادث، شما را به سرچشمه اصلی رسانده است (و نتایج اعمال خود را آشکارا می بینید). حال که چنین است از عبرت ها پند گیرید، از دگرگونی نعمت ها اندرز پذیرید و از هشدار هشدار دهندگان بهره گیرید.